

# اصول و قواعد کشف استدلالی ساختار و غرض سوره مبارکه حدید

خدیجه جلالی\*

فاطمه طباطبایی\*\*

## چکیده

یکی از بحث‌های مورد توجه قرآن پژوهان معاصر کشف استدلالی ساختار و غرض سوره‌های قرآن کریم است، این روش تفسیری که بر پایه هدفمندی سوره‌ها و توقیفی بودن چینش آیات استوار است، مفسر را بر آن می‌دارد به سوره‌های قرآن نگاه جامع و ساختاری داشته باشد و بداند هر یک از سوره‌های قرآن برای خود به طور جداگانه غرض واحد و معنای مخصوص دارد. در اکثر سوره‌های قرآن موضوعات متنوعی وجود دارد که با نگاه ظاهری و ابتدایی به آیات، نوعی پراکندگی میان موضوعات آن دیده می‌شود، در حالی که با ژرف نگری به آیات می‌توان دریافت که مجموع همه ی آیات یک سوره، حاوی غرض واحد است، که مفسر با کشف آن می‌تواند تفسیری دقیق تر ارائه دهد. اختلاف نظر در مورد ساختار سوره حدید از سوی مفسران و یافت نشدن کتاب یا مقاله‌ای در این زمینه که غرض واحد سوره را به صورت مستدل بیان نموده باشد ضرورت این تحقیق را آشکار می‌کند. این تحقیق با رویکردی توصیفی و تحلیلی، به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. ب بررسی‌ها نشان می‌دهد سوره مبارکه حدید از دو سیاق تشکیل شده، گرچه هر سیاق دارای غرضی است، اما همه آنها بر محور و غرض اصلی سوره که «ایمان به خدا و ضرورت پیاده کردن آثار آن، از جمله انفاق در راه خدا، در زندگی برای رسیدن به غفران و فضل الهی» می‌باشد، حرکت می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** کشف استدلالی، ساختار سوره، غرض سوره، سوره حدید.

\* پژوهشگر و استاد حوزه و دانشگاه jalali.dibaj@yahoo.com

\*\* طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر f.tabatabaei58@yahoo.com

## ۱- مقدمه

مفسران و قران‌پژوهان با توجه به وسعت دیدشان به قرآن و نوع نگرشی که به سوره‌ها دارند تفاسیر متعدد با روش‌های متفاوت نگاشته‌اند تا معانی آیات قرآن را بیان و مقاصد آن را کشف نمایند، که البته هر کدام در جای خود دارای ارزش والایی است. تعدادی از مفسران، قران کریم را آیه به آیه و به صورت مجزا تفسیر کرده و برای هر آیه ذاتی مستقل نسبت به آیات قبل و بعد آن در نظر گرفته‌اند. برخی دیگر از مفسران به سوره‌های قرآن از دریچه تناسب و ارتباط بعضی آیات با بعض دیگر نگریسته‌اند و در تفسیرشان به بیان این ارتباط پرداخته‌اند ولی تمرکزشان بر نظم محکم قرآن و سوره‌ها نبوده است. اما عده‌ای از دانشمندان علوم قرآنی و مفسران هستند که معتقدند ساختار هر سوره قرآن دارای نظم بی نظیر و معجزه آسا بوده و هر کدام از آیات آن با هدف خاص و با چینش و حیانی در جایگاه خود قرار گرفته است. آنان با نگرش ساختاری و جامع به سوره‌های قرآن به هدفمند بودن سوره‌ها گرایش پیدا کرده و برای کشف غرض واحد سوره تلاش نموده‌اند، تا بتوانند با استفاده از غرض به دست آمده تفسیری دقیق تر ارائه داده و اختلافات تفسیری را به حداقل برسانند. به همین منظور در سالهای اخیر محققان علوم قرآنی، اصول و قوانینی علمی و راهکارهای قابل پذیرشی را برای رسیدن به ساختار و غرض اصلی سوره تدوین نموده‌اند، تا با استفاده از آن قواعد، بتوان غرض سوره را به صورت نظام مند و مستدل کشف نمود.

محقق در این پژوهش بر آن است که سوره محدید را با نگرش ساختاری و جامع مورد ارزیابی قرار داده، اصول و قواعد کشف استدلالی ساختار و غرض سوره‌ها را در سوره حدید بکار گرفته تا - به فضل الهی - بتواند به طور ضابطه مند ساختار و غرض سوره حدید را کشف و به آن دست یابد.

در مورد کشف غرض واحد و هدف اصلی سوره مبارکه حدید با استفاده از اصول و قواعد استدلالی، مقاله‌ای یافت نشد لکن پایان نامه‌هایی مانند "تبیین موضوع محوری سوره مبارکه «حدید»، نوشته طیبه جواهری و "ساختارشناسی سوره ی حدید" نوشته طیبه کاملی یافت شد. با اینکه کار هر دو محقق بسیار ارزشمند است و تلاش فراوانی

برای جمع آوری مطالب و رسیدن به موضوع سوره حدید نموده اند اما، طیبه جواهری در رسیدن به موضوع محوری سوره حدید از عناوینی که برسیاقها گذاشته استفاده کرده، و اشاره ای به اینکه با چه قواعدی به این عناوین رسیده، ننموده است و با بیان خودش نتوانسته علی رغم تلاش های فراوان از بعضی از قرینه های درون سوره مثل آیات آغازین و پایانی و غرر آیات به موضوع محور سوره دست پیدا کنند. و طیبه کاملی نیز برای رسیدن به غرض سوره حدید، قواعد و اصول را بر روی سوره حدید اجرایی ننموده و با استفاده از تفاسیر دیگر و به اختصار به غرض سوره رسیده است. اما تفاوت این پژوهش با آن ها این است که ابتدا با بیان اصول شناسایی ساختار هر سوره و قواعد کشف غرض سوره ها با کمک پایان نامه آقای خامه گر ذهن خواننده را آماده و در ادامه با به کارگیری و اجرایی کردن مراحل کشف ساختار و غرض سوره ها در سوره حدید، برای دستیابی و کشف ساختار و غرض سوره حدید تلاش شده است.

## ۲- مفهوم شناسی

«کشف استدلالی»: کشف از نظر لغت به معنی برداشتن پوشش و ازاله آن از هر چیز است تا اینکه متن آن، مادی یا معنوی ظاهر شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۶۶). اما کشف استدلالی غرض سوره از نظر اصطلاح به معنی آن است که مفسر برای شناسایی غرض سوره از قواعد علمی بهره گیرد تا غرض سوره به طور مستدل و ضابطه مند بیان شود (خامه گر، ۱۳۹۵).

«ساختار سوره»: واژه ساختار به معنای چارچوب تعیین کننده مناسبات درون عناصر یا اجزای یک داستان یا اثر است که به مفهوم ارتباط منسجم میان اجزای اثر باز می گردد (حکم آبادی، ۱۳۹۸). بنابراین ساختار هر سوره بیانگر ارتباط موضوعات فرعی سوره با غرض و موضوع اصلی آن است (خامه گر، ۱۳۹۵).

«غرض اصلی سوره»: غرض از لحاظ لغوی به معنای هدف معین، خواسته و مقصود است. غرض سوره همان غایتی و هدفی است که سوره به منظور تحقق آن غرض نازل شده است (همان).





### ۳- روش‌های کشف استدلالی ساختار و غرض سوره‌ها

هر کدام از مفسران عاوم قرانی که به هدفمندی سوره‌ها اعتقاد دارند بر آن هستند که غرض اصلی را برای هر سوره ارائه دهند. برای رسیدن به این هدف از روش‌های متعددی بهره برده‌اند که به طور خلاصه به شرح آن خواهیم پرداخت.

#### ۳-۱ کشف غرض از طریق سیاق بندی روشمند آیات

یکی از روشهایی که مفسران برای کشف هدف و غرض سوره به کار می‌گیرند روش سیاق و دسته بندی روشمند آیات است به این ترتیب آیاتی که دارای ارتباط لفظی و معنوی هستند را در یک دسته قرار داده و سپس عنوانی را با توجه به مفهوم کلی سیاق برای آن مشخص می‌کنند و سپس با دقت در عناوین انتخابی و پیدا کردن ارتباط عناوین، آنها را جمع بندی نموده و در نهایت به یک عنوان رسیده که همان را به عنوان غرض اصلی سوره معرفی می‌کنند

#### ۳-۲ کشف غرض از طریق حذف مطالب فرعی (استطرادها)

در تعریف استطراد آمده است که گوینده از معنا و مطلبی که در آن است خارج، و به مطلب زائد و جالب و در خور توجه یا مراد اصلی اش، که در ظاهری ارتباط ولی در واقع مرتبط است وارد شود سپس به معنا و مطلب اول خود بازگردد. (اقبال، ۱۳۹۸). عده‌ای از قران پژوهان برای رسیدن به غرض اصلی سوره معتقدند باید استطرادها را حذف نمود تا آیات اصلی مشخص گردد و با بررسی کیفیت جهت گیری مطالب اصلی، به کشف غرض اصلی سوره پردازند.

#### ۳-۳ کشف غرض سوره با استفاده از عناصر درون متنی

نویسنده که برای القاء پیام مدنظر خود به خواننده اش دست به قلم می‌شود، از اجزاء و جملاتی استفاده می‌کند که او را در رساندن پیام یاری رساند. او که حکیمانه عمل می‌کند می‌داند متن را با چه جمله آغاز و با چه جمله‌ای به پایان برساند چه نامی را بر

متنش بگذارد از تمثیل و داستان در متن خود استفاده کند. قطعاً از مواردی استفاده خواهد کرد که در راستای رساندن پیام و غرض اصلی اش باشد. عده‌ای از مفسران با استفاده از همین عناصر در سوره، مثل آیات آغازین و پایانی و یا اسماء الحسنی به کاررفته در آیات سعی در رسیدن به غرض واحد سوره می‌کنند. (خامه‌گر، ۱۳۹۵)

### ۳-۴ کشف غرض سورا با استفاده از عناصر برون متنی

هر سوره قرآن افزون بر عناصر درون متنی از عناصر دیگری نیز بهره‌مند است که گرچه خارج از متن سوره قرار دارند اما بر جهت‌گیری محتوای سوره تأثیر گذاشته و با غرض و پیام اصلی آن ارتباط دارند. تأثیرگذارترین عناصر بر متن سوره‌ها عبارت‌اند از اسم سوره فضایل و خواص سوره‌ها و فضای نزول سوره. مفسرانی که به کشف غرض سوره‌ها اهتمام داشته‌اند درباره میزان اثرگذاری این عناصر در کشف قرائت سوره‌ها اختلاف نظر دارند. (همان)

### ۳-۵ نگرش جامع در کشف غرض سوره

عده‌ای از مفسران و محققان علوم قرآنی برای دستیابی به غرض اصلی سوره به رویکردی جامع‌گرایانه را در پیش گرفتند به این معنی که برای اینکه غرض به دست آمده کاملاً مستدل و دقیق باشد از جمع روش‌های بالا کمک گرفته و تک تک موارد را از جمله سیاق و دسته بندی آیات، حذف استطرادها و عناصر درون متنی و برون متنی بهره می‌برند.

### ۴- شناخت سوره حدید

سوره حدید بر طبق نظر اکثر مفسران جزء سوره‌های مدنی بوده، اما به سبب بعضی روایات وارده، نظیر روایت اسلام آوردن عمر در منزل دخترش و در پی خواندن آیات آغازین این سوره تا آیه هفتم آن، آیات ابتدایی سوره و آیه شانزدهم آن طبق روایاتی در مورد عبدالله ابن مسعود، در مکه نازل شده است (سیوطی، ۱۴۳۴ق، ج ۱، ص ۲۷ / آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۶۴). این سوره در ترتیب نزول نود و چهارمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است و در چینش کنونی مصحف پنجاه و هفتمین سوره است که

بین سوره‌های واقعه و مجادله واقع شده، اما در ترتیب نزول پیش از سوره محمد و پس از سوره زلزال می‌باشد. (<http://wiki.ahlolbait.com> / سوره-حدید). حدید از ماده حَدّ می‌باشد که اصل اول در این ماده، حَدَّت و شَدَّت می‌باشد و توصیف حدید در این سوره به باس و شدت موید این معنی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۷۹-۱۸۰). به دلیل آغازشدن با فعل «سَبَّحَ» جزء سوره‌های مسبحات است و از نظر ترتیب نزول سور مسبحات، اولین سوره می‌باشد (حدید، حشر، جمعه، تغابن، صف). (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۲۲).

##### ۵- مراحل کشف ساختار و غرض سوره حدید

برای کشف غرض سوره حدید به صورت جامع باید مراحل زیر طی شود تا به مقصود اصلی دست یابیم.

این مراحل از این قرار است:

۱. دسته بندی روشمند آیات و تشکیل سیاق‌های سوره حدید
۲. بررسی عوامل ارتباط لفظی و معنایی آیات یک سیاق
۳. عنوان گذاری دقیق و حساب شده سیاق‌ها با توجه به معانی آیات آن سیاق
۴. ترکیب سیاق‌ها با توجه به عناوین
۵. کشف غرض سوره با توجه به مشترکات سیاق‌ها و تکرار معنایی یک مفهوم در سوره، عناصر درون متنی و برون متنی.

قبل از تعیین سیاق‌های سوره حدید و بررسی ارتباط آنها ضروری است به عوامل ارتباط و پیوستگی آیات اشاره کنیم. آیات در یک سیاق ممکن است پیوستگی لفظی یا به عبارتی ادبی داشته باشند ممکن هم هست پیوستگی معنایی بین آیات برقرار باشد. الف عوامل پیوستگی ادبی (لفظی): شامل سه دسته عامل می‌باشد. عامل اول اسماء و حروف ربط دهنده از قبیل اذ، اذا، استفهام، حروف عاطفه و... را شامل می‌شود، عامل دوم ساختار نحوی کلام از قبیل تاکید، ظرف و مظروف، مبتدا و خبر، حال و ذوالحال، بدل و مبدل منه، جواب قسم و... می‌باشد. عامل سوم هم اسلوب کلام است که می‌تواند موجب پیوستگی ادبی شود. مانند تکرار در آغاز آیات، تکرار عبارات در پایان

آیات، تکرار واژه پایانی در ابتدای آیه بعد.

ب) عوامل پیوستگی معنایی: در این دسته هم دو عامل قرار می‌گیرند. اولاً عامل ارتباط معنایی آیات هم جوار مانند تعلیل آیه قبل، تفصیل بعد از اجمال، تخصیص آیه عام، تعمیم خاص، حسن تخلص، لف و نشر می‌تواند موجب پیوستگی معنایی گردد، ثانیاً ساختار معنایی آیات از قبیل سؤال و جواب آن، دلا و استجابت، مقدمه و ذی المقدمه، مصادیق یک عنوان کلی می‌تواند در این دسته قرار بگیرد (ر.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۵).

#### ۱-۵ مرحله اول: شناسایی ارتباط و پیوستگی آیات و سیاق بندی سوره

نخستین و حساس‌ترین مرحله برای کشف ساختار و غرض سوره شناسایی پیوستگی آیات و سیاق بندی سوره از طریق بررسی ارتباط‌های ادبی و لفظی و معنایی آیات است (حکم آبادی، ۱۳۹۸). سوره مبارکه حدید از دو سیاق تشکیل شده است. سیاق اول از یک دسته آیات تشکیل شده است و سیاق دوم، شامل سه دسته آیات می‌باشد و هر کدام از دسته بندی‌ها با توجه به موضوعاتشان به چند دسته کوچک‌تر آیات تقسیم می‌شوند. سیاق اول شامل آیات (۱-۶) می‌باشد، سیاق دوم آن شامل آیات (۷-۲۹) می‌باشد که خود این آیات به دو دسته آیات (۷-۱۵) و (۱۶-۲۹) تقسیم شده و آیات دسته‌ها نیز با توجه به موضوعاتشان به دسته‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

#### ۱-۱-۵ سیاق اول: آیات (۱-۶)

سیاق اول با تسبیح خداوند و منزّه بودن وی از هرگونه عیب و نقصی آغاز شده، و به بیان معارف بسیار بلند و اوصاف الهی می‌پردازد. و مشتمل بر آیات (۱-۶) می‌باشد.

#### عوامل پیوستگی لفظی و معنایی آیات سیاق اول

آیه اول با تسبیح و تنزیه خداوند شروع شده می‌فرماید: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» آنچه در آسمانها و زمین است همواره برای خدا تسبیح می‌گوید. در آیه دوم «لَهُ» به معنی «لِلَّهِ» می‌باشد، بنابراین ضمیر در آن به «لِلَّهِ» در آیه اول برمی





گردد، یعنی تصرف مطلق در آسمانها و زمین برای اوست. و این جمله به منزله تاکید معنوی برای ماقبلش است (حجازی، ج ۲، ص ۶۰۹). لذا آیه دوم به سبب برگشت ضمیر، از جهت ادبی با آیه اول ارتباط دارد. همچنین آیه دوم تعلیل برای تسبیح خداوند تعالی در آیه اول است (ابن عاشور، ج ۲۷، ص ۳۵۸). گویی کسی سؤال کند چرا آنچه در آسمانها و زمین است خداوند را تسبیح می‌گویند؟ و جواب این گونه داده می‌شود که «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» زیرا خداوند فرمانروا و مالک هر آنچه در آسمانها و زمین است می‌باشد (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۹۸). بنابراین پیوستگی معنایی نیز بین آیه ۱ و ۲ برقرار است.

آیه سوم گرچه در سیاق خودش استینافی است، اما آیه دوم را تبیین می‌کند و می‌فرماید: خداوندی که فرمانروای آسمانها و زمین است، ملک و فرمانرواییش در تمام زمانها دائمی بوده و تصرف او در هر دوی آسمانها و زمین همیشگی است «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ»، همچنین به سبب دلالت آثارش بر هر چیزی که روی آن اثر می‌گذارد «الظَّاهِرُ» است و به سبب اینکه کیفیت تصرفش از حواسها مخفی است «الْبَاطِنُ» است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۵۹). بنابراین گرچه ارتباط ادبی و لفظی بین آیات دوم و سوم وجود ندارد اما به سبب تبیین، پیوستگی معنایی بین آیات ۲ و ۳ برقرار است.

آیه چهارم نیز استینافی است و موقعیتش مانند آیه سوم است (بیان آیات قبل می‌باشد) و این استیناف دوم استدلال است بر اینکه الهیت خداوند تعالی انفرادی است و شریک ندارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۶۳). «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» این آیه از مظاهر قدرت خداوند و دلیل مالکیتش است که در آیه قبل ذم‌شکر شده بود (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۳۶). و اشاره دارد به اینکه آفرینش آسمانها و زمین در شش روز صادق‌ترین دلالت و روشن‌ترین گواه بر حکیم بودن خداوند و قادر بودن او است (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۱۹). حکیم بودن خداوند در آیه یک با جمله «هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» و قادر بودن وی در آیه دو با جمله «هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بیان شده است. لذا تعلیل که از عوامل ارتباط معنایی آیات هم جوار است پیوستگی آیات ۳ و ۴ را مشخص می‌کند، همچنین «اِشْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» تمثیلی است برای ملک و فرمانروایی خداوند که در آیه دوم با عبارت «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» آمده است، در ادامه آیه چهارم عبارت



«يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا» عمومیت علم خداوند را تقریر می‌کند و بر طریق نشر و لف مرتب، به بیان جمله (هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) در آیه دوم و جمله «وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» آیه سوم می‌پردازد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۶۴). و عبارت «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» هر کجا که باشید او با شماست تمثیلی است بر احاطه علم خداوند تعالی بر همه احوالات انسانها (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۶۸). و گرچه اینجا احاطه مکانی به خاطر معروف بودن را بیان کرده اما احاطه خداوند مکانی و زمانی و در همه احوال است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۶). با توجه به مجموع مطالب بیان شده ارتباط معنایی آیه ۴ با آیات ۱ و ۲ و ۳ آشکار می‌گردد.

عبارت «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در آیه پنجم، تاکید و تکرار برای عبارت نظیر خودش در ابتدای آیه دوم می‌باشد تا بفهماند مساله بازگشت به خدا که در انتهای همین آیه با عبارت «وَالِلَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» بیان شده، مبتنی بر عمومیت ملک او می‌باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۶۵ / طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۷). در آیه دوم از مالکیت و حاکمیت خداوند در زنده کردن و میراندن و قدرت مطلق سخن گفت و در این آیه از مالکیت و حاکمیت خدا در بازگشت کارها به به سوی او سخن می‌گوید (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۴۸۱). البته بیان این نکته خالی از لطف نیست که ذکر این عبارت در آیه دوم بر تصرف خداوند در موجوداتی است که قابلیت حیات و مرگ در دنیا را دارند، اما ذکرش در این آیه بر تصرف وی بر همه موجودات بنا گشته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۶۵). در نتیجه به واسطه تکرار که عامل پیوستگی اسلوبی است و به واسطه ساختار نحوی از نوع تاکید، ارتباط ادبی و لفظی آیه ۵ و ۲ آشکار می‌گردد.

آیه ششم با جمله «يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ» آغاز شده، علامه طباطبایی می‌فرماید: «ایلاج شب در روز و ایلاج روز در شب به معنای اختلافی است که شب و روز در کوتاهی و بلندی دارند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۷). این عبارت بیان میکند که تقدیر شب و روز و پشت سرهم آمدن آن دوازده تصرفات الهی است که در احوال آسمانها و زمین و احوال انسانها مشاهده می‌شود و بدل اشتمال از جمله «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در آیه پنجم می‌باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۶۷). بنا بر این



ارتباط ادبی از نوع ساختار نحوی بدل بین آیات ۵ و ۶ برقرار است. و عبارت «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» احاطه علم خداوند تعالی را به آنچه در ضمیرها و در نیات است را تذکر می‌دهد و این مطلب بعد از بیان احاطه علم خداوند بر اعمال انسانها است که در آیه چهارم با جمله «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» آمده بود (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۶۹). در نتیجه پیوستگی معنایی بین آیات ۴ و ۶ نیز وجود دارد.

#### ۵-۱-۲-۱ سیاق دوم: (آیات ۲۹-۷)

سیاق دوم با امر به ایمان به خدا و رسول و امر به انفاق کردن آغاز شده، و ارتباط لفظی آیه ابتدایی سیاق با آیات قبل قطع شده است و از نظر معنایی مقدمه و تمهیدی برای آیات بعدی است.

#### ۵-۱-۲-۲ عوامل پیوستگی لفظی و معنایی آیات سیاق دوم

سیاق دوم خود شامل چند دسته آیات می‌باشد. دسته اول آیات (۷-۱۵)، دسته دوم آیات (۱۶-۲۹) است که هر کدام موضوعی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

#### ۵-۱-۲-۱-۱ دسته بندی اول از سیاق دوم: آیات (۷-۱۵)

دسته بندی اول شامل آیه (۷) به عنوان مقدمه این مجموعه و آیات (۸-۹) با موضوع استدلال برایمان به خدا و رسول، و آیات (۱۰-۱۵) با موضوع استدلال برانفاق کردن می‌باشد.

#### الف (مجموعه اول: آیه (۷))

آیه هفتم با امر به ایمان به خدا و رسول و امر به انفاق شروع می‌شود «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا» و در انتهای آیه آنچه که برای آنان وعده داده شده را بیان می‌کند که همان اجر کریم است «فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ» (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۴۳). علامه طباطبایی می‌فرماید: «خطاب در این آیه به کسانی است که به خدا و رسول ایمان آورده‌اند و معنی امر مومنین به ایمان، این است که آثار ایمانی را که دارند برایمان خود مترتب کنند، یعنی اولاً باید مرتبه‌ای بالاتر از ایمانی که دارند را کسب کنند ثانیاً با اشاره به اینکه انفاق اثر صفتی است که ایشان متصف به آن هستند باید به خاطر همان

حقیقت باز انفاق کنند.» (ترجمه المیزان، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۶۵). البته ابن عاشور در تفسیر خود بیان می‌کند که خطاب در آیه می‌تواند به مشرکین باشد اگر آیه در مکه نازل شده باشد، اما قولی هم گفته چون آیه در غزوه تبوک نازل شده بنابراین آیه در مدینه نازل شده و خطاب به مومنین است که امر به دوام ایمان شده‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۹، ص ۳۶۹). در این آیه بعد از امر به ایمان به خدا و رسول، امر به انفاق نیز وجود دارد که خود دلیل بر اهمیت انفاق در دین خداست (حوی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱۰، ص ۵۷۴۳)

### ب) مجموعه دوم: آیات (۸-۹)

بعد از امر به ایمان و انفاق در آیه هفتم، قرآن در آیات بعد درباره هر یک از این دو به بیانی می‌پردازد که به منزله استدلال و برهان برای آن دو می‌باشد. نخست در آیه هشتم به صورت یک استفهام توییخی علت عدم پذیرش دعوت پیامبر را در مورد ایمان به خدا جویا شده می‌فرماید: چه چیز سبب می‌شود که به خدا ایمان نیاورید در حالیکه اگر به راستی شما آمادگی پذیرش حق را دارید دلائل آن روشن است و سپس استدلال برای آنها را با دلیل نقلی و عقلی بیان می‌کند. می‌گوید حال که پیامبر خدا با دلایل روشن و آیات و معجزات آشکار به سراغ شما آمده «وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ» (دلیل نقلی) و از سوی دیگر خداوند با نشان دادن آثارش در جهان و در درون وجودتان یک نوع پیمان تکوینی از شما گرفته که به او ایمان بیاورید «وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (دلیل فطری و عقلی) اما شما بدون اعتنا به این دلائل، حاضر به ایمان نیستید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۱۶) بنابراین به واسطه تعلیل آیه قبل ارتباط معنایی بین آیه هشتم و هفتم نیز مشخص می‌شود.

آیه نهم «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» استینافیه است، اگرچه خطاب در این آیه همان خطاب در آیه هشتم می‌باشد ولیکن به علت اسلوب نظم و آنچه بر این آیه عطف شده اقتضا می‌کند که آیه نهم استینافی بیان شود تا ما با حسن تخلص به این نکته برسیم که خطاب به مسلمین است، و معنی آیه سابق و این آیه با هم بسیار مرتبط هستند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷، ص ۳۷۱) لذا به واسطه حسن تخلص آیات ۸ و ۹ پیوستگی معنایی دارند. در تفسیر نمونه آمده است که آیه نهم برای تاکید و توضیح بیشتر پیرامون معنی آیه هشتم بیان شده است (مکارم شیرازی،

۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۱۷) همچنین در این که آیه شریفه را با عبارت «وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ» ختم شده، اشاره‌ای است به اینکه آن ایمانی که رسول خدا ایشان را به سویش می‌خواند خیرایشان و صلاح ایشان است، چون تنها کسانی که از آن ایمان بهره‌مند می‌شوند خود ایشان هستند، نه خدا از آن سودی می‌برد و نه رسولش. پس در این خاتمه آن ترغیب و تشویق برایمان و انفاق که در آیات قبل بود تاکید شده است بنابراین آیه ۹ با آیه ۷ و ۸ پیوستگی معنایی داشته و و به واسطه تاکیددی که بیان شد این آیات پیوستگی ادبی از نوع ساختار نحوی نیز دارند.

### ج) مجموعه سوم: آیات (۱۵-۱۰)

این مجموعه آیات به موضوع انفاقی که در آیه ۷ به آن امر شده بود می‌پردازد. اما به لحاظ اینکه ارتباط لفظی و ادبی با قبل ندارد از مجموعه قبل جدا شد.

آیه دهم که با عبارت «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» آغاز شده است، استفهام انکاری بوده (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۴۵۵) و توییحی است برای افرادی که انفاق را ترک کردند، مخاطب توییح یا مومنانی هستند که انفاق را ترک کرده‌اند یا توییح کسانی است که در آیه هشتم هم به سبب ترک ایمان مورد توییح واقع شده‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۱). امر به انفاق در راه خدا، انفاق در زمان جهاد است و دلیل این مطلب را می‌توان عبارت «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ» در نظر گرفت که در ادامه امر به انفاق آمده است (ابن عاشور، ج ۲۷، ص ۳۷۲) و یا می‌توان دلیل آن را عطف قتال بر انفاق دانست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۶۹). جمله انتهایی آیه «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» مربوط به همه مطالب گذشته است و می‌خواهد توییح‌های قبل را شدت بخشیده و برابر نبودن دو طایفه از انفاق‌گران و وعده حسناتی که به هر دو گروه داده را تثبیت کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۷۰). بنابراین آیه ۱۰، در سیاق آیاتی قرار دارد که با آیه ۷ تا ۹ پیوستگی معنایی دارد.

آیه یازدهم با عبارت «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» تعلیل و بیان جمله «وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى» در آیه دهم می‌باشد، و معنی آن با در نظر گرفتن آیه دهم این گونه است که؛ مثل کسی که در راه خدا انفاق می‌کند مانند مثل کسی است که به خداوند قرض می‌دهد و مثل خداوند تعالی در جزا دادن مانند کسی است که قرضش را

نیکومی دارد و در پس دادن آن نیز به نیکویی عمل می‌کند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۷۷). لذا آیه ۱۰ و ۱۱ از لحاظ ساختار معنایی با هم پیوستگی دارند. هم چنین این آیه تاکید امر در آیه قبل و توییخ بر ترک آن است، بنابراین استفهام آن حقیقی نیست بلکه برای برانگیختن و تشویق بر انفاق در راه خداست (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۲). بنابراین به واسطه اینکه آیه ۱۱ تاکید آیه ۱۰ می‌باشد، دو آیه از لحاظ ساختار نحوی نیز پیوستگی ادبی دارند. و با توجه به اینکه در اساس فی التفسیر بیان شده خداوند برای تهییج امر به انفاق، این آیه رو بیان کرده است و ابن کثیر نیز می‌گوید اجر کبیر همان جنت در روز قیامت است. (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۴۶)؛ همچنین خداوند با عبارت «فِيضَاعَفَهُ لَهُ» تشویق بر قرض دادن می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۷۸) ارتباط معنایی آیه ۱۰ و ۱۱ به طور کامل آشکار می‌گردد.

مضاعف شدن ثواب و دادن اجر کریم که در آیه ۱۱ به آن اشاره شده، در روز قیامت می‌باشد. جمله «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» در آیه دوازدهم را می‌توان استینافیه در نظر گرفت و فعل (اذکر) را در ابتدای آیه در تقدیر گرفت و در این صورت جمله را بیان اجر انفاق کنندگان در نظر گرفت و ادامه آیه هم بیان بعضی مزیت‌های مومنین باشد. همچنین می‌توان به سبب نظم کلام این عبارت ظرف برای «فِيضَاعَفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» باشد و ذکر خیرات برای اهلش و شربرای اهلش بر طریق تخلص بوده و در این صورت به سبب همین تعلق، آیه ۱۲ به جمله قبل متصل باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۷۹). بنا بر این تعبیر، معنای آیه این است که هر کس قرض نیکوبه خدا بدهد اجر کریم دارد در روزی که توای پیامبردارندگان به ایمان به خدا را از مرد و زن می‌بینی که نورشان پیشاپیش و جلوتر از آنان و در سمت راستشان و بدان سوی که سعادت آنان آنجاست، می‌دود (طباطبای، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۷۲). با دقت در مطالب ذکر شده، بین آیات یازدهم و دوازدهم به دلیل اتصال معنایی و عامل تخلص پیوستگی معنایی وجود دارد و با توجه به ظرف بودن «يَوْمَ» پیوستگی ادبی از نوع ساختار نحوی نیز بین آیه ۱۱ و ۱۲ مشاهده می‌شود.

از سیاق آیه سیزدهم چنین برمی‌آید که منافقین و منافقات در روز قیامت در ظلمتی هستند که از هر سواحاطه شان کرده و همه مردم در آن روز مجبور به رفتن به سوی خانه



جاودانه خویش هستند، مومنین مسیر را با نور خود طی می‌کنند اما منافقین که در ظلمات فرو رفته‌اند نمیتوانند راه خود را طی کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۷۴). جمله «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ» بدل مطابقی است از جمله «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» در آیه قبل، زیرا آن روز دقیقا همان روز شناخته در آیه قبل می‌باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۸۱). لذا ارتباط ادبی از نوع ساختار نحوی بین آیات ۱۲ و ۱۳ یافت می‌شود. در تفسیر روح المعانی از بیان ابن عطیه آمده که عامل در «يَوْمَ» عبارت «هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» می‌باشد. گویا گفته شده به طور یقین مومنین در روزی که منافقین و منافقات چنین و چنان هستند، جزء رستگارانند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۶). بنابراین بین آیات ۱۲ و ۱۳ پیوستگی معنایی نیز دیده می‌شود.

در آیه چهاردهم جمله «يُنَادُونَهُمْ» حال است برای عبارت «يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ» در آیه قبل. و هم چنین عبارت «أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ» استفهام تقریری است و کنایه‌ای است از اینکه منافقین طلب ملحق شدن به مومنین را دارند همانطور که در دنیا با ایشان بودند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۸۵). همین طور این آیه می‌تواند استیناف باشد و جواب از سؤال مقدر باشد. گویا گفته شده: پس منافقین و منافقات بعد از زدن دیوار که با عبارت «فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورًا» در آیه قبل بیان شد و مشاهده عذاب چه کردند؟ پس گفته شده: «يُنَادُونَهُمْ...» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۹، ص ۱۵۷ / آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۷) با توجه به نکاتی که بیان شد به واسطه حال بودن آیه ۱۴، برای آیه قبل پیوستگی ادبی از نوع ساختار ادبی بین آیات ۱۳ و ۱۴ وجود دارد، همچنین به علت جواب بودن برای سؤال مقدر، ساختار معنایی سبب ارتباط معنایی بین این دو آیه می‌باشد.

آیه پانزدهم که با جمله «فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» آغاز شده، می‌تواند تمه گفتر مردان و زنان با ایمان باشد، گفتر آنان از آیه قبل با عبارت «قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصُّمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّبْتُمْ الْأَمْثَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّبْتُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» آغاز شده، در این صورت فاء در ابتدا آیه، فاء تفریع خواهد بود، که در این خطاب خود کفار را هم اضافه می‌کنند چون منافقین هم در واقع کافرند و تنها فرقیشان این است که کافر، کفرش را علنی و اظهار می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۷۸ / ابن عاشور، ۱۴۲۰ق،

ج ۲۷، ص ۳۸۸) و جایز هم هست که کلام از جانب خداوند متعال برای منافقین صادر شده باشد تا منافقان را از طمع اینکه بتوانند از نور مومنان بهره ببرند مایوس کند. در این صورت فاء اول آیه فاء عطف خواهد بود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۸۸). بنابراین با توجه به فاء عطف ارتباط ادبی از نوع حروف ربط دهنده بین آیات ۱۴ و ۱۵ وجود دارد و هم چنین پیوستگی معنایی بین این دو آیه برقرار است.

#### ۱-۲-۲-۲-۱-۵ دسته بندی دوم از سیاق دوم: آیات (۱۶-۲۹)

این دسته آیات جزء سیاق دوم واقع شده و از نظر معنایی در سیاق دوم قرار دارد، اما آیه شانزدهم در ابتدای این دسته استینافی است و از نظر ادبی و لفظی با آیه قبل خود پیوستگی نداشته و مقدمه‌ای است برای آیات بعد از خود. این آیات با امر به خشوع قران و نهی از قساوت قلب و نافرمانی از امر خدا آغاز شده و با آیاتی ادامه دارد که اشاره دارد به آنچه خشوع را محقق می‌کند و قساوت قلب را زایل می‌کند و از فسوق و نافرمانی دور می‌کند (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۴۹). و به منظور تاکید در تحریک و تشویق انفاق در این آیات درجه انفاق گران را نزد خدا بیان می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۸۳). و شامل چهار دسته آیات می‌شوند، آیه (۱۶) به عنوان مقدمه، آیات (۲۱-۱۷)، آیات (۲۴-۲۲)، آیات (۲۹-۲۵).

#### الف) مجموعه اول: آیه (۱۶)

آیه شانزدهم که با عبارت «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» آغاز شده استینافی بوده و عتابی است به مومنین. و دلیل این عتاب به گفته آلوسی سستی و تنبلی مومنین است در آنچه که به آن دعوت شده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۷۹). و به گفته علامه طباطبایی دلیل عتاب به خاطر قساوتی است که دل‌هایشان را گرفته و در مقابل ذکر خدا خاشع نشده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۸۴). به راستی خداوند دل‌های مومنان را دستخوش مرور زمان و رخوت در ایمان یافت از این رو این آیه را نازل کرد تا تحول منفی که در زندگی امت پدید آمده بود را چاره کند. معلوم می‌شود خشوع از دل‌هایشان کناره گرفته و از دعوت رسول به ایمان و انفاق شانه خالی می‌کردند. و اگر به درمان آن مبادرت و شتاب نکنند به زودی آنان را از گردونه مومنان



بیرون می‌کند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۶۴).

### ب) مجموعه دوم: آیات (۲۱-۱۷)

دلیل گسستگی این مجموعه با آیه قبل عدم ارتباط لفظی و ادبی می‌باشد، اما عبارت «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» تمثیلی است برای آیه قبل. البته مفسران با تعبیر متفاوتی این تمثیل را بیان کردند از جمله علامه طباطبایی فرمودند: «به دنبال عتاب مومنین و ملامت ایشان بر قساوت قلب، خداوند تمثیل آورده تا حس امید مومنین را تقویت کرده و برای خشوع ترغیب شوند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۸۴). و ابن عاشور این گونه بیان می‌کند: «تمثیل شده حال قلوب مومنین که به ذکر خدا احتیاج دارد به حال زمین مرده که به باران نیاز دارد و حال ذکر در تزکیه نفوس به حال باران در احیاء زمین مرده». همچنین آیه هفدهم می‌تواند به منزله تعلیل برای جمله شانزدهم باشد که متضمن تشویق بر خشوع در برابر قرآن است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۳۹۳). لذا با این توضیحات پیوستگی معنایی آیات ۱۶ و ۱۷ کاملاً آشکار می‌گردد. البته ممکن هم هست این جمله تتمه عتاب سابق باشد به این مضمون که این جمله می‌خواهد مومنین را متوجه کند به اینکه خدای تعالی این دین را به حال خود و انمی گذارد که مردم هر عکس‌العملی نشان دادند خدای تعالی هیچ عکس‌العملی نشان ندهد، بلکه همواره مراقب آن است، اگر ببیند جمعی از مومنین دچار قساوت قلب شده‌اند و دیگر در برابر عوامل خاشع و تسلیم نیستند، دل‌های زنده و خاشع پدید می‌آورد تا او را آنطور که خودش می‌خواهد بپرستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۸۴).

آیه هجدهم با عبارت «إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» از نظر معنی با آیه یازدهم «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفْ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» متصل است. و الفاظ آیه هم شبیه هم هستند و اراده شده که آنچه که در سابق در آیه ۱۱ تشویق بر انفاق صورت گرفته بود دوباره در این آیه به صورت صله، مثل آن تشویق آورده شود. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۳۹۵). لذا پیوستگی ادبی و معنایی بین آیات ۱۱ و ۱۸ برقرار است. توضیح اینکه بیان شد آیه هجدهم به صورت صله است اینکه، فعل «أَقْرَضُوا» عطف بر معنی فعل در مصدقین است زیرا لام در «الْمُصَدِّقِينَ» به معنی الذین و



اسم فاعل به معنی "اصدقوا" است گویا گفته شده: *إِنَّ الَّذِينَ أَصَدَّقُوا وَآفَرَضُوا* (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۴۶۸). و همچنین در این آیه مانند آیه ۱۱ سخن از مضاعف شدن و اجر کریم را برای ترغیب کردن به انفاق در راه خدا تکرار کرد و *«الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ»* را به کسانی که به خدا قرض می دهند (انفاق کنندگان) اضافه کرد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۱۶۲). بنابراین آیه ۱۸ و ۱۱ که هر دو در سیاق دوم از این سوره قرار دارند از لحاظ ادبی و معنایی با هم ارتباط دارند. و مطلب دیگر این که خداوند در آیه شانزدهم مسلمانان را به خشوع و خضوع در برابر یاد خدا و در برابر حقی فرا می خواند که خدا آن را نازل کرده است و در آیه هجدهم از بذل و بخشش و انفاقی سخن گفته که از ثمرات خشوع و خضوع بوده و به حقیقت ایمان باز می گردد (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۴۷۵).

بعد از اینکه در آیه هجدهم فضیلت صدقه دهندگان مومن را بیان کرد برای اینکه به این نکته توجه دهد که اگر از مومنان افرادی هستند که مالی برای صدقه دادن ندارند از فضیلت آنها کاسته نخواهد شد، آیه نوزدهم را با این عبارت آراسته کرد *«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»* در این آیه به بیان ذکر فضیلت مومنین به طور مطلق پرداخته که شامل هر آنکس که استطاعت بر صدقه دادن دارد یا ندارد می شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۹۶)؛ لذا آیه نوزدهم نسبت به آیه هجدهم عمومیت داشته و ارتباط معنایی بین آنها برقرار است. عده ای نیز معتقدند این آیه تتمه قول خداوند در آیه هشتم و دهم است، زمانی که خداوند بعد از قولش در آیه ۸ که فرمود شما را چه شده که به خدا و رسول ایمان نمی آورید، حال که ایشان حق آنها را وفا کردند، در این آیه اشاره می کند که کسانی که ایمان به خدا و رسولانش آوردند آنها همان صدیقان هستند و در آیه ۱۰ فرمود شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید، در این آیه می فرماید اینها شهیدان در راه خدا هستند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۳۹۸). با بررسی موارد بالا ارتباط معنایی آیات ۸ و ۱۰ و ۱۹ که در سیاق دوم واقع شده اند کاملاً مشهود است.

بعد از بیان حال دو گروه در آخرت در آیه ۱۹، در آیه بیستم شرح حال زندگی دنیایی را می دهد که گروه دوم یعنی کافران به آن اطمینان کردند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۸۴). افتتاح این آیه با عبارت *اعلموا* همان وجهی را دارد که در آیه هفدهم نیز که با



همین عبارت آغاز شده داشت. بنابراین عبارت «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَهَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» برای آیه قبل تمثیل آورده شده است. به این صورت که بعد از تشویق بر صدقات و انفاق در آیات قبل در این آیه به باطل بودن سبب بخل ورزیدن اشاره کرده و برای اینها دنیا را به یک چیز محقر و زائل شونده مثل زده که تعلق خاطر به آن مانع از رستگاری می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۴۰۰-۴۰۱). لذا با این توضیحات هم ارتباط معنایی آیه ۱۹ و ۲۰ آشکار می‌گردد و هم پیوستگی ادبی بین آیات ۱۷ و ۲۰ که از نوع عامل پیوستگی اسلوبی (تکرار در آغاز آیات) است، مشخص می‌گردد.

در آیه بیست بعد از بیان ناپایداری جهان و لذات آن و اینکه مردم در سرمایه‌های کم ارزش این جهان نسبت به یکدیگر تفاخر و تکاثر می‌جویند در آیه بیست و یک مردم را به یک مسابقه عظیم روحانی در طریق کسب آنچه پایدار است و سزاوار هرگونه تلاش و کوشش است، دعوت می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۳۵۹). البته خداوند نمی‌خواهد از قدر و ارزش دنیا بکاهد، بلکه می‌خواهد طبیعت دنیا را با طبیعت انسان هنگامی که بشر به دنیا دوستی می‌پردازد و آن را بدون توجه به خرسندی خدا هدف خود می‌گیرد برای ما بیان کند و این نکته از عبارت پایانی آیه ۲۰ «وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ» آشکار می‌گردد (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۸۶-۸۷). با این توضیحات پیوند و رابطه معنایی آیه ۲۰ و ۲۱ که در آن به مسابقه به سوی مغفرت دعوت می‌کند روشن می‌شود.

#### ج) مجموعه سوم: آیات (۲۲-۲۴)

ارتباط لفظی آیه بیست و دو با آیه قبل قطع شده و علت گسستگی این مجموعه از قبل می‌باشد. عبارت «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا» در آیه بیست و دو برای تاکید بیشتر آیه بیست که در زمینه عدم دل بستگی به دنیا، و شاد نشدن به اقبال آن، و غمگین نگشتن به ادبار آن می‌باشد، می‌افزاید: "هیچ مصیبتی در زمین و در وجود شما واقع نمی‌شود مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه شما و زمین را بیافرینیم در کتاب (لوح محفوظ) ثبت است، و این امر برای خداوند آسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۶۹). بنابراین که آیه ۲۲ تاکید معنوی آیه ۲۰ می‌باشد،

ارتباط ادبی و معنایی بین این دو آیه وجود دارد. نکته قابل توجه دیگر اینکه از آنجا که خداوند در این سوره در آیاتی از جهاد سخن به میان آورده و در آیه ۱۰ فرمود «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ» و در آیه ۱۹ فرمود «وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ» و در آیه ۲۰ در مورد دنیا فرمود «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُورِ» در این آیه می‌فرماید «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ» اگر هر مصیبتی در جنگ و یا در دنیا مثل قتل و اسیری در جهاد و فقر و قحطی برای شما به وجود آمد، خیلی از آن‌ها از دایره قدرت شما خارج است زیرا به اسباب حوادث در نظام هستی که در این عالم جاری است مربوط می‌باشد، همانطور که در آیه ۲۲ می‌فرماید: «إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۰۹). با دقت در این مطالب ارتباط معنایی آیات ۱۰ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ معلوم می‌گردد که همه در سیاق دوم از این سوره واقع شده‌اند.

آیه بیست و سوم که با جمله «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» آغاز شده است بیانگر علت مطلبی است که در آیه قبل به آن اشاره شده بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۹۴). پس پیوستگی معنایی بین آیات ۲۲ و ۲۳ وجود دارد.

در مورد جایگاه و نقش عبارت آیه بیست و چهارم «الَّذِينَ يَبِخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ» نظرات متفاوتی وجود دارد. جایز است «الَّذِينَ يَبِخُلُونَ» را استیناف در نظر بگیریم و دلیل آن را این بدانیم که جمله قبلش با عبارت «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» که تذییل می‌باشد خاتمه یافته است. و جایز هم هست به ما قبلش بر طریق تخلص متصل باشد زیرا در این صورت «الَّذِينَ يَبِخُلُونَ» بدل از «كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» است، یا خبر است برای مبتدای محذوف که تقدیرش اینگونه باشد: «هم الَّذِينَ يَبِخُلُونَ» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۱۳ / آلوسی، ج ۱۴، ص ۱۸۷). جایز هم هست مبتدا باشد برای خبر محذوف.

و این وجه‌ها ترجیحی برهم ندارند (درویش، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۷۳). هم چنین در تفسیر نمونه آمده است که این آیه توضیح و تفسیر «مُخْتَالٍ فَخُورٍ» در آیه قبل می‌باشد. بنابراین پیوستگی ادبی از نوع ساختار نحوی و همچنین ارتباط معنایی بین آیات ۲۳ و ۲۴ برقرار است.



#### د) مجموعه چهارم: آیات (۲۹-۲۵)

علت گسستگی این مجموعه استیناف بودن اولین آیه و قطع ارتباط لفظی با آیه قبل می‌باشد. آیه بیست و پنجم «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ» استیناف ابتدایی است که دلیل آن را می‌توان عبارت انتهای آیه قبل «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» دانست که تذییل است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۴۱۵) و با عبارت تذییل جمله قبل خاتمه می‌یابد. لام در ابتدای آیه، لام جواب قسمی است که قسم آن حذف شده است و با لام قسم و حرف تحقیق خبری که آمده را تاکید می‌کند. علامه طباطبایی می‌فرماید: «این آیه استینافی است و معنی تشریح دین را با ارسال رسل و انزال کتاب و میزان تشریح می‌کند و غرض از آن قیام مردم به قسط و امتحان آنهاست به وسیله آن و با فرستادن حدید نیز مورد امتحان واقع می‌شوند تا تمییز داده شود چه کسی خدا غایب را یاری می‌کند، و در صدد بیان این مطلب است که امر رسالت دائما و به صورت مستمر در بین مردم وجود داشته و به طور مداوم بعضی از امت هدایت یافته و اکثر آنها فاسق شدند» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۱۷۱). «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ» یعنی خلقناه و دلیل آن این است که هر مخلوقی نازل شده به اعتبار اینکه در لوح ثابت بوده و تقدیرا موجود بوده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۸۸). مراد از یاری خدا و رسولش در عبارت «وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ» جهاد در راه خدا و دفاع از مجتمع دینی است و بسط کلمه حق است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۹، ص ۱۷۲).

آیه بیست و شش که با عبارت «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ» آغاز شده، بر جمله «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ» در آیه قبل عطف شده است، و عطف خاص بر عام است. در ابتدا به صورت اجمال بیان شد و در این آیه تفصیل داده شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۴۱۸). لذا ارتباط ادبی به لحاظ حرف عطف واو و هم چنین ارتباط معنایی به دلیل تفصیل بعد از اجمال بین آیات ۲۵ و ۲۶ آشکار و قطعی است. لام در ابتدای آیه تکرار قسم آیه قبل است تا دقت بیشتری را برای مطلبی که بیان شده نشان دهد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۸۹). نتیجه می‌گیریم که علاوه بر ارتباط که بیان شد، ارتباط لفظی از نوع ساختار نحوی نیز بین دو آیه وجود دارد.

ثُمَّ در ابتدای آیه بیست و هفتم «ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا» حرف عطف برای ترتیب با

تراخی می باشد (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۴۷۶). ضمیر «هم» در «أَثَارِهِمْ» به نوح و ابراهیم و سابقین از ذریه آن دو بزرگوار برمی گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۰۴) بنابراین آیه ۲۷ از جهت ادبی برآیه ۲۶ عطف شده است و پیوستگی ادبی بین آنها برقرار است. نکته قابل توجه اینکه آیه شانزدهم که آیه اول از این دسته بندی می باشد با عبارت «وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» تمام شده، و این دو آیه آخرین دسته بندی نیز با همین عبارت خاتمه یافته است. و این اشاره دارد به اینکه خداوند عزوجل بر انحراف مردم دو نوع الگو آورد، اول انحراف مردم بعد از نوح و ابراهیم و دوم انحراف مردم در تبعیت کردن از عیسی. تا ما از این انحراف اجتناب کنیم، از انحرافی که در تبعیت از عیسی گذاشتند و رهبانیت و ترک دنیا را بدعت گذاشتند و از امر خدا نافرمانی کردند (حوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۵۷۵۹).

ابتدای سیاق دوم، در سوره با آیه «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» آغاز و در این آیه با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ» تاکید می گردد. (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۶۱). در پایان سوره حدید خداوند با بیان این دو آیه ما را با وسیله ای که همان تقوای الهی است، آشنا می کند که هرکس بخواهد به خشنودی خدا راه یابد، بدان متوسل می شود و پروردگار مومنان را خطاب قرار می دهد و آنان را به درستی ایمان و پرهیزگاری به سبب رغبت به رحمت و فضل خود فرا می خواند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۱۳۶).

خطاب در آیه بیست و هشتم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ» مومنان هستند که امر به تقوا و ایمان به رسول می شوند، و این امر مجدد به ایمان به رسول دلیل بر این است که مراد از ایمان، پیروی کامل و اطاعت تام از رسول است و مرتبه ای از ایمان است که بالاتر از مرتبه ای هست که قبلا داشتند و از آثار این مرتبه ایمان تخلف نکرده و همه را بدون تخلف اجابت می کند به همین دلیل ثوابی روی ثواب دارند «يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِي وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۰۵).

لام در ابتدای آیه بیست و نهم «لِيَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ» لام تعلیل است (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۴۸۰). بنابراین آیه بیست و نهم در صدد بیان دلیل است برای آنچه در آیه قبل آمده، می فرماید این پاداش های مضاعف الهی علاوه بر نورانیت و مغفرت به خاطر آن است که اهل کتاب بدانند که آنها قادر بر چیزی از فضل الهی نیستند و فضل و



رحمت همه به دست اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۹۶). نکته دیگر آنکه ضمیر در «يَقْدِرُونَ» به مومنین در آیه قبل برمی‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۳۰۶). لذا به سبب اینکه آیه ۲۹ تعلیل بر آیه ۲۸ می‌باشد ارتباط معنایی با هم داشته و به لحاظ بازگشت مرجع ضمیر به آیه قبل پیوستگی ادبی نیز بین آنها برقرار است.

#### ۲-۵. مرحله دوم عنوان گذاری دقیق سیاق‌ها

برای مشخص کردن عنوان مناسب هر سیاق باید بررسی‌هایی انجام پذیرد که ما به اختصار آن را بیان می‌کنیم: ارتباط آیات یک سیاق یا به صورت طولی است، یا به صورت عرضی. منظور از ارتباط طولی آن است که یک یا چند آیه در سیاق واحد، اصل و سایر آیات در طول آن قرار داشته و متفرع بر آنها هستند. مثل جملات شرط و جزا، قسم و جواب قسم، ظرف و مظروف، اجمال و تفصیل... که در این صورت بین متعلق و متعلق، اصل کلام متعلق است. برای نمونه بین ظرف و مظروف اصل بر مظروف است، بین بدل و مبدل منه معمولاً اصل مبدل منه، است. و منظور از ارتباط عرضی آیات این است که مطالب یک سیاق با ساختارهای نحوی و معنایی بر یکدیگر متفرع نشده باشند و همه آنها از نظر اهمیت یکسان بوده و هر یک بخشی از یک مفهوم کلی و غرض سیاق را تشکیل دهند. همچنین باید مطلب کانونی سیاق کشف شود تا بتوان بر اساس آن عنوان مناسب برای سیاق در نظر گرفت.

#### ۱-۲-۵. عنوان گذاری سیاق اول آیات (۱-۶)

این آیات را می‌توان مقدمه‌ای بر این سوره دانست و با دقت در آیات این سیاق به این نتیجه رسید که ارتباط آیات عرضی است و همه آیات به یک اندازه دارای اهمیت بوده و اصل و فرعی در بین آیات این سیاق دیده نمی‌شود. و تنها راه دستیابی به غرض سیاق، جمع بندی محتوای همه آیات است، زیرا در عین ارتباط با هم، هر آیه استقلال معنایی دارد (خامه‌گر، ۱۳۹۵). آیه دوم تعلیل آیه اول، آیه سوم تبیین آیه دوم، آیه چهارم تبیین آیه اول و دوم و سوم، آیه پنجم تکرار و تاکید آیه دوم و آیه شش بدل از آیه پنجم است. ساختار معنایی حاکم بر آیات این سیاق بیان ویژگی‌های خداوند از طریق برشمردن

صفات و اسماء الحسنی او است. موضوع اصلی آن تسبیح خداوند توسط تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است آن هم به صورت دائمی، زیرا مجموعه نظام هستی نیازمند او هستند و او بی نیاز مطلق، آن هم به سبب ویژگی‌هایی از قبیل داشتن قدرت مطلق بر تدبیر جهان هستی که مالکیت آن از آن اوست و احاطه علمی بر هر چیزی که در عالم هستی است، همچنین تدبر امور زندگی انسان‌ها و آگاهی داشتن کامل از اعمال و آنچه در سینه‌هایشان دارند و از همه مهم‌تر بازگشت همه کارها به سوی او و تدبیر شب و روز. بنابراین با توجه به مطالب فوق، عنوان مناسب برای سیاق اول عبارت است از "ویژگی‌های خداوند برای تدبیر همه امور جهان هستی و همه‌ی امور انسان‌ها".

#### ۵-۲-۲. عنوان گذاری سیاق دوم آیات (۲۹-۷)

ارتباط آیات این سیاق طولی است و از نظر ساختار معنایی، رابطه اصل و فرع بینشان برقرار است. در سیاق‌هایی که از آیات اصلی و فرعی تشکیل شده، برای کشف مطلب کانونی و موضوع اصلی سیاق و انتخاب عنوان باید به محتوای آیه‌هایی که اصل است توجه کرد (خامه‌گر، ۱۳۹۵). سیاق دوم شامل دو دسته آیات است. دسته اول که شامل آیات (۷-۱۵) می‌باشد خود از سه مجموعه از آیات تشکیل شده که هر دسته دارای بیانی است که به غرض این دسته کمک خواهد کرد.

#### الف) عنوان گذاری دسته بندی اول از سیاق دوم

ارتباط آیات این دسته بر پایه اصل و فرع است، لذا آیات در یک سطح و طراز نیستند.

در مجموعه اول آیه هفتم به عنوان مقدمه این مجموعه است، و مشتمل بر دو امر از طرف خداوند است **آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا** امر به ایمان به خدا و رسولش و امر به انفاق کردن. ایمان به خدا اصل ایمان به غیب است و از آن ایمان به رسول متفرع می‌شود و از ایمان به خدا و رسول، ایمان به ملائکه و روز آخرت و کتب رسولان متفرع می‌شود و به همین دلیل در آیات اولیه این سوره به تعریف خدا و صفاتش پرداخت. پس امر به انفاق هم از اثرات ایمان به خداست زیرا او مالک اصلی همه‌ی اشیاء است. پس امر به انفاق





علامت و برهان برای ایمان، و بیان اهمیت انفاق در دین خداست (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۳۷). عنوان مناسب: «امر به انفاق بعد از امر به ایمان به خدا و رسول، نشانه اهمیت انفاق» می‌تواند باشد.

در مجموعه دوم در آیه ۸ و ۹ آمده که، حال که رسول خدا شما را به ایمان به خدا دعوت می‌کند و قرآن هم دلالت بر خدا دارد و فطرتتان هم اعتراف به وجود خدا دارد، و با معجزاتی که به دست پیامبر آورده شده، چرا به خدا و رسول ایمان نمی‌آورید؟ عنوان مناسب: «استدلال بر ایمان به خدا و رسول» است.

در مجموعه سوم ارتباط آیات در اینجا ارتباط طولی بوده و عنوان از آیات اصلی گرفته خواهد شد. در ابتدای مجموعه سؤالی مطرح می‌شود که چرا برای بالا بردن دین خدا، و جهاد در راه خدا انفاق نمی‌کنید و در آیه ۱۱ برای تشویق بر انفاق، وعده نیکوبه همه منافقین می‌دهد، و انفاق کردن در راه خدا را قرض دادن به خداوند معرفی می‌کند و ثواب مضاعف و اجر کریم برایش در نظر می‌گیرد. از آنجا که آیه ۱۲ ظرف است برای آیه ۱۱، و در آیاتی که ارتباط طولی دارند برای تعیین عنوان از آیات فرعی صرف نظر می‌کنیم. بین ظرف و مظروف اصل بر مظروف است بنابراین آیه اصلی، آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» می‌باشد. آیه ۱۳ بدل از آیه ۱۲ است و از آنجا که مبدل منه اصل است آیه ۱۲ اصل قرار می‌گیرد اما طبق توضیح گذشته آیه ۱۲ فرع محسوب می‌شود. عنوان مناسب: «استدلال بر امر به انفاق و تشویق منافقین با وعده اجر کریم» لذا عنوان مناسب این دسته آیات با توجه به عناوین سه مجموعه می‌تواند «ایمان به خدا و رسول و ترغیب و تشویق به انفاق در راه خدا و استدلال بر آن دو» می‌باشد.

### ب) عنوان گذاری دسته بندی دوم از سیاق دوم

این دسته از آیات نیز از آیات اصلی و فرعی تشکیل شده است.

در مجموعه اول آیه ۱۶ به عنوان مقدمه این مجموعه بوده و مطلب کانونی آن عتاب مومنین است به خاطر قساوتی که دل‌هایشان را گرفته، و در برابر ذکر خدا خاشع نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۸۳). و آیات بعد از آن در این مجموعه ذی المقدمه هستند و در گفتارهای طولی آیات ذی المقدمه اصل هستند، و عنوان مجموعه از آنها



انتخاب می‌شود.

در مجموعه دوم آیه ۱۷ تمثیلی است برای اثر ذکر بر قلوب (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۴۹) و بیدار شدن دل‌ها و مایوس نشدن مومنین مورد عتاب، آیه ۱۸ از جهت مشابهت الفاظ و معنا با آیه یازدهم در مجموعه قبل که از آیات اصلی بود، نشان از آن دارد که از آیات اصل در این مجموعه می‌تواند باشد، که افراد را که به صدقه دادن تشویق می‌کند تا از جمله صدقه دهندگان به خدا به حساب شوند، و با تکرار مضاعف شدن ثواب و دادن اجر کریم، مومنین را به انفاق و صدقه دادن دلگرم کرده و به شوق می‌آورد. اما با توجه به اینکه آیه ۱۹ بدون ذکر انفاق و دادن صدقه، ایمان آورندگان به خدا و رسولان را ملحق به صدیقین و شهدا می‌کند، منظور ایمان خالص است که مرتبه بالای ایمانی است و اطاعت و پیروی کامل از همه دستورات را در پی دارد. مفهوم آیه نسبت به آیه قبل عمومیت دارد و در بین آیه عام و خاص، اصل بر آیه عام است. آیه ۲۰ تمثیلی است بر بی‌ارزشی دنیا و تحریض و تشویق بر انفاق و صدقه دادن که از آثار ایمان به خدا می‌باشد، تا مغفرت و رضوان الهی شامل آنها شود، و مطلب کانونی و اصلی در آیه ۲۱ سبقت گرفتن به سوی مغفرت الهی و جنتی است که به مومنین به خدا و رسول وعده داده شده است. بنابراین عنوان «ضرورت ایمان به خدا و پیروی از همه معارف الهی از جمله انفاق، اجتناب از دل‌بستگی به دنیا برای کسب مغفرت الهی» برای این مجموعه مناسب است.

مجموعه سوم در آیه ۲۲ با بیان اینکه آنچه مصیبت بر سرتان می‌آید، قضایش رانده شده، پس جا دارد که ترس از فقرو کشته شدن نداشته باشید و انفاق کنید و به جهاد بروید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۸۸). و آیه ۲۳ علت آیه ۲۲ را بیان میکند که به علت رانده شدن قضا دیگر به خاطر نعمتی که از دستتان می‌رود اندوه نخورید و برعکس (همان). بنابراین اصل بر آیه ۲۲ می‌باشد، و آیه ۲۴ با موضوع نکوهش بخل ورزیدن و امر به آن، بدل یا ظرف برای آیه قبل است بنابراین بین این دو، آیه ۲۳ اصل است. عنوان مناسب «رانده شدن قضا از ناحیه خداوند، دلیل دعوت به مبارزه با بخل و تشویق به انفاق» می‌باشد.

در مجموعه چهارم موضوع آیه بیست و پنج ارسال رسل و انزال کتاب و میزان برای



عادت دادن مردم به عدالت، است. آیه بیست و شش عطف عام بر خاص و تفصیل بعد از اجمال است که از میان رسولان به نوح و ابراهیم اشاره کرد، اما از آنجا که اصل کلام بر اجمال است، اصل آیه ۲۶ می‌باشد و آیه ۲۷ هم به سبب پیوستگی ادبی هم طراز آیه قبل است. عنوان مناسب: «غرض از ارسال رسل و انزال کتب، عادت به برپایی قسط و عدالت». با بررسی عناوین انتخابی برای مجموع آیات در این دسته بندی می‌فهمیم که هر کس به خدا ایمان بیاورد به رسول او و کتابی که با او نازل شده ایمان می‌آورد و همچنین هر کس به خدا ایمان بیاورد به قدرالهی که فرع بر ایمان به خداست، ایمان می‌آورد، و از او امر و نواهی در کتب انبیاء، از جمله امر به انفاق در راه خدا و جهاد و بخل نوزیدن و اقامه قسط پیروی خواهد کرد. لذا عنوان مناسب این دسته آیات با توجه به عناوین چهار مجموعه می‌تواند «ضرورت اطاعت خداوند از همه فرامین الهی و ایمان به فروعات ایمان، در پی ایمان به خدا و رسول» باشد. آیه ۲۹ که آخرین آیه این سوره است، تعلیل بخشش دو سهم از رحمت به مومنین در آیه ۲۸ است. لذا عنوان انتخابی برای این سیاق از موضوع آیه ۲۸ استفاده می‌شود. عنوان مناسب برای این سیاق «اعطای دو سهم از رحمت خدا، به فضل الهی به مومنان، به سبب ایمان کامل به خدا و رسولش و داشتن تقوا».

### ۳-۵. مرحله سوم: ترکیب سیاق‌ها

سومین مرحله برای دست یابی به غرض اصلی سوره و شناسایی کیفیت ارتباط میان سیاق‌های سوره است. سوره حدید دارای دو سیاق است که سیاق اول آن از آیه یک تا شش، سیاق دوم از آیه هفت تا بیست و نه، می‌باشد. سیاق دوم به دلیل تعداد زیاد آیات، و گستردگی ادبی و تا حدودی معنایی گروهی از آیات، به دو دسته تقسیم شده و باز آن دو دسته به دلیل قطع ارتباط ادبی و لفظی به چند مجموعه از آیات تقسیم شد. عامل اصلی ارتباط دسته‌ها و سیاق‌ها موضوع مشترک بین آنهاست. در سوره حدید انتخاب عناوین مجموعه‌ها و دسته‌ها با توجه به محتوای آنها و آیات اصلی انتخاب شده است. شاید در نگاه اول به نظر برسد ارتباطی بین آنها وجود ندارد. اما با بررسی دقیق می‌توان ارتباط سیاق‌ها و دسته‌ها را مشخص و سیاق‌ها و دسته‌ها را ترکیب کرد تا به

غرض واحد سوره دست یافت. محور اصلی سوره که همان ضرورت ایمان به خدا و در پی آن انفاق کردن در راه خدا که از آثار ایمان است می باشد که می توان ان را از سیاق دوم به دست آورد اما سیاق اول که مشتمل بر صفات خداوند است را چگونه می توانیم بیابیم؟ جواب این سؤال را می توان از علامه طباطبایی اینگونه بیان کرد: " غرض این سوره تحریک و تشویق مومنین به انفاق در راه خداست، و در تشویق مردم به این عمل همین بس که انفاق مردم را قرض دادن آنان به خدا دانسته است. و چون تشویق و تحریک مردم به انفاق و اینکه انفاق قرض دادن به خدا است، این توهم را ایجاد می کند که مگر خدا به مال ما محتاج است لذا از همان آغاز سخن یعنی اولین کلمه سوره، مسئله نزاهت خدا از احتیاج را خاطرنشان نموده است." (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۰).

#### ۴-۵ مرحله چهارم: کشف ساختار و غرض اصلی سوره حدید

بعد از سیاق بندی و آگاهی از ارتباطات بین آیات و انتخاب عناوین برای دسته ها و سیاق ها نوبت به کشف غرض سوره می رسد. لازم به ذکر است مراحل کشف غرض قواعد زیادی باید طی شود، اما ما در این مقاله به برخی از مهم ترین آنها می پردازیم.

#### ۱-۴-۵ قاعده اول: جمع بندی عناوین سیاق های سوره حدید

به نظر می رسد سیاق های سوره حدید هر دو اصلی هستند و با توجه به گفته علامه طباطبایی مفهوم مشترکی بین سیاق آن دورا به هم پیوند می دهد. حال به طور اختصار عناوین جمع بندی شده را بیان می کنیم

عنوان سیاق اول: ویژگی های خداوند برای تدبیر امور جهان هستی و همه امور انسانها. عنوان سیاق دوم: ۱. دسته بندی اول: ایمان به خدا و رسول مقدمه و تشویق بر انفاق در راه خدا. ۲. دسته بندی دوم: داشتن تقوا و لزوم اطاعت از همه فرامین الهی و ایمان به فروع ایمان در پی ایمان کامل به خدا و رسول، و همچنین تشویق و تحریک مومنان به انجام فرامین الهی بالاخص موضوع انفاق در راه خداست.





### ۵-۴-۲ قاعده دوم: توجه به عناصر درون متنی

مهم‌ترین عناصر درون متنی که هماهنگی معنا داری با پیام اصلی سوره دارند عبارت‌اند از: آیات آغازین و پایانی سوره، سوگندهای سوره، اسماء الحسنی، شخصیت‌های سوره و داستان‌های سوره (خامه‌گر، ۱۳۹۵) که ما به بررسی آیات آغازین و پایانی بسنده می‌کنیم.

#### آیات آغازین و پایانی سوره حدید

علمای بلاغت، از دیرزمان «حسن مطلع» و «حسن ختام» در هر سوره را از جمله محسنات بدیعی قرآن می‌دانند و معتقدند اقتضاء می‌کند که سخنور سخن بلیغ خود را با ظرافت تمام به گونه‌ای آغاز کند که هم آمادگی در شنونده ایجاد کند و هم اشارتی باشد به آنچه مقصود کلام اصلی است (حکم آبادی، ۱۳۹۸). در قرآن نیز این مطلب با زیبایی رعایت شده و آیات آغازین هر سوره خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالب آن سوره را بیان می‌کند و آیات پایانی به عنوان جمع بندی و نتیجه گیری نهایی غرض اصلی سوره را مجدداً گوشزد می‌کند. البته گاهی آیات ابتدایی و انتهایی سوره در حکم طلّیعه و خاتمه سوره هستند (خامه‌گر، ۱۳۹۵). سوره حدید که از سور مسبحات است با تسبیح و تنزیه خداوند از صفات نقص آغاز شده است و با برشمردن حدود بیست صفت از اوصاف الهی و شناخت معرفتی انسان را بالا می‌برد ثانیاً این آیات به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به موضوع اصلی سوره هست. از آنجا که غرض این سوره تحریک و ترغیب به انفاق هست و در ادامه آیات انفاق کردن نوعی قرض دادن به خدا محسوب می‌شود، برای اینکه توهم ایجاد می‌کند که خدا به مال و جان ما نیاز دارد آغاز سخن را با مساله تنزیه خودش آغاز کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۰) و از آنجا که محور اصلی سوره از آیه هفت با عبارت «أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْقُضُوا» آغاز می‌شود که امر به ایمان به خدا و رسول و انفاق می‌کند در خاتمه و آیات پایانی هم با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ» سوره را با امر به تقوا و ایمان به رسول به پایان می‌رساند، که این نشان دهنده این است که «ایمان به خدا و رسول و انفاق در راه خدا» موضوع اصلی این سوره است (حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۵۷۳۹).

### ۵-۴-۳ قاعده سوم: توجه به عناصر برون متنی

عناصر برون متنی منظور عناصری هستند که خارج از سوره هستند اما بر جهت گیری سوره تأثیر گذاشته و با غرض و موضوع سوره مرتبط است.. از عناصر برون متنی می توان به مکی و مدنی بودن سوره، شأن نزول و فضای نزول، فضایل سوره، هماهنگی با سوره ها مجاور، اسم سوره اشاره کرد. در این میان ما به عنصر مکی و مدنی بودن اشاره می کنیم:

#### مکی و مدنی بودن سوره

با توجه به خصوصیتی که برای اغلب سوره های مکی و مدنی بیان کردند می توان در کشف غرض سوره از آن کمک گرفت. سوره حدید طبق نظر اکثر مفسران مدنی است. با اینکه عده ای با توجه به روایتی که در مورد اسلام آوردن عمر بعد از این سوره بوده بیان کردند که این سوره در مکه نازل شده، اما علامه طباطبایی می فرماید: «سیاق آیات سوره حدید به هیچ وجه با نزول آن در مکه سازگار نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۹۶). اغلب سوره های مدنی به مباحث اجتماعی و حکومتی توجه دارد در حالیکه سوره مکی به مسائل اعتقادی و اول دین، همچنین در مکه بنای پیامبر بر تسامح و تساهل بود ولی در مدینه اذن جهاد صادر شده و احکام آن بیان شده است. بنابراین با بررسی آیات سوره حدید بالاخص آیه ۱۰ که با عبارت «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» آغاز شده و با استفهام توییخی امر به انفاق در راه خدا می کند و در ادامه آیه از عبارت «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلْ» معلوم می شود در اینجا انفاق در مورد جهاد است و معروف است که این سوره در غزوه تبوک نازل شده است. پس با توجه به مدنی بودن سوره می توان به غرض سوره که انفاق است پی برده یا لاقبل به آنچه که به عنوان غرض سوره بیان کرده ایم اعتماد نمود.

#### ۶- نتیجه گیری

با کمک عوامل ارتباط و پیوستگی معنایی و لفظی، ارتباط آیات سوره حدید کشف و ساختار و سیاق آن مشخص شد. و از آنجا که هر سیاق خود به چند دسته آیات، و آنها نیز به مجموعه کوچکتر آیات تقسیم شدند، برای هر کدام عناوینی را با توجه به موضوع آیات



و ارتباط آنها با هم و مشخص کردن آیات اصلی در نظر گرفته شد، و سپس با استفاده از عناوین به دست آمده و عناصر درون متنی و برون متنی غرض سوره به دست آمده و نتایج حاصل شد که به اختصار بیان می‌کنیم: (۱) به نظر می‌رسد با دقت در ساختار نحوی و عوامل پیوستگی اسلوبی که از جمله عوامل ارتباط معنایی آیات هستند و همچنین با استفاده از عوامل ارتباط معنایی آیات هم جوار و ساختار معنایی که آنها هم از عوامل ارتباط معنایی آیات هستند می‌توان سوره را سیاق بندی کرده و ارتباط آیات را به دست آورد. (۲) با استفاده از عناوینی که بر سیاق‌ها گذاشته می‌شود و عناصر درون متنی و برون متنی کشف غرض سوره ممکن می‌شود. (۳) سوره حدید با توجه به این عوامل، به دو سیاق اصلی و چند دسته و چند مجموعه تقسیم شد و سپس با دقت در آیات پرتکرار در سوره و استفاده از کتب تفسیری موضوع اصلی سوره حدید که همان تشوق به انفاق کردن بود بررسی شد. (۴) با استفاده از عناصر درون متنی مانند آیات آغازین و پایانی سوره حدید، کشف غرض اصلی آسان گردید. (۵) و همچنین عناصر برون متنی مانند مکی و مدنی بودن سوره، که با غرض اصلی سوره در ارتباط بود، ساختار و غرض اصلی را تثبیت کرد. (۶) غرض سوره مبارکه حدید طبق اصول و قواعد علمی بیان شده «ایمان به خدا و ضرورت پیاده کردن آثار آن، از جمله انفاق در راه خدا، در زندگی برای رسیدن به غفران و فضل الهی» می‌باشد.



## منابع و مأخذ

- \* قرآن کریم (۱۳۸۰)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. آلوسی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
  ۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر والتنویر، مؤسسه التاریخ العربی*.
  ۳. اقبال، ابراهیم الدبونی، سیده نفیسه (۱۳۹۸)، آرایه استطراد و تأثیر آن در تفسیر آیات قرآن کریم، *پژوهش های قرآن و حدیث*، سال ۵۲، شماره ۲، پاییز و زمستان.
  ۴. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، *التفسیر الواضح، دار الجید الجدید، بیروت*.
  ۵. حکمآبادی، حجت اله، رئیسین، غلامرضا و اسماعیلی زاده، عباس (۱۳۹۸)، *کشف استدلالی ساختار و غرض سوره مبارکه احزاب؛ فصلنامه علمی کتاب قیام*.
  ۶. حوی، سعید (۱۴۲۴ق)، *الاساس فی التفسیر، دار السلام*.
  ۷. خامه گر، محمد (۱۳۹۵)، *اصول و قواعد کشف استدلالی ساختار و غرض سوره ها قرآن*، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات.
  ۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، *مجموعه کامل ساختار سوره های قرآن کریم، بین الملل، تهران*.
  ۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، *اعتبارسنجی رهیافت های کشف استدلالی غرض سوره های قرآن، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های قرآنی، شماره ۲*.
  ۱۰. درویش، محی الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن الکریم و بیانہ، دار الارشاد*.
  ۱۱. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن، دارالکتاب العربی*.
  ۱۲. سید قطب (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن، دار الشروق*.
  ۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن، الاعلمی للمطبوعات، بیروت*.
  ۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی، محمد باقر، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، قم*.
  ۱۵. مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۷)، *تفسیر هدایت، آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد*.
  ۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*.
  ۱۷. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸)، *ترجمه تفسیر کشف، ترجمه دانش، موسی، بوستان قم، قم*.
  ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه*.
  ۱۹. <https://wiki.ahlolbait.com>.

